

حمی یومی دوم حمی خدلی سوم حمی دتی فصل اول در حمی یومی و آنرا عارضی نیز

گویند و این تب بروح تعالی دارد و در اکثر به یکروز زایل شود لهذا بدین

دقشغی نام مسمی است

و حمی دغشی

و حمی دغشی

و حمی دغشی

و حمی دغشی

و حمی دغشی

و حمی دغشی

و حمی دغشی

و حمی دغشی

و حمی دغشی

و حمی دغشی



توان دانست که در یوم رس است حمی یوم علی الاطلاق آن بود که حرارت او یکسان بود و غیر سوزان باشد به مشابیه حرارتی که از ریاست

مهر

تا از ذات آن رگ ماده بر آید پس از ظهور خفت سفید بیضه مرغ بر ساق
 طلا کنند یا بر بندند به اعتدال تا ماده دیگر نریزد فصل در داء الفیل و وی
 آنست که پای مریض چون پای فیل بزرگ و فربه گردد و علاجش به آنست
 که در دواء گذشته و اگر شدید بود متعوض نباید شدن فصل در وجع
 العقب یعنی درد پاشنه و سببش اگر قرصه بود مرهم نهند و اگر ضربیه یا نقطه
 بود مامیت و کلار منی به آب یا خلط نهند و آب سرد ریزند و بابت که
 حجامت کنند و اگر فشاردن موره بود تدبیرش نیز به آنست که گفته
 شد و اگر انصباب مواد بود و ماده او اگر خون بود فصد کنند و اگر خلط دیگر
 بود تنقیه آن کنند و در حار گلی روغن و در بار در روغن بالونه و فرقیون و روغن
 قسط مالند فصل در وجع کوف الرجل و این مرضی است که گفت پای در دانه
 و پانها و آن متعسر باشد علاجش عدس در سرکه خسته ضماد کردن و اگر خون
 غالب بود فصد کنند باب در حمی یعنی شپاد آن رسا قسم باشد اول

